

حسن خلق، سیره عالمان دین

بسم الله الرحمن الرحيم

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الدِّينُ؟ فَقَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟ فَقَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ قِبَلِ شِمَالِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟ فَقَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ وَرَائِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ؟ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ وَقَالَ: أَمَا تَفْقَهُ. الدِّينُ هُوَ أَنْ لَا تَغْضَبَ (تنبيه الخواطر: ۱/۸۹)

مردی از روبروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خدمت آن حضرت آمد و پرسید: ای رسول خدا! دین چیست؟ فرمود: نیک‌خویی. سپس از طرف راست آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: نیک‌خویی. آن گاه از طرف چپ آن حضرت آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: نیک‌خویی. سپس از پشت سر ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟ حضرت به طرف او برگشت و فرمود: مگر نمی دانی؟! دین، آن است که خشم نگیری.

ایام دهه فجر انقلاب اسلامی را تبریک عرض می‌کنم و حدیثی هم که خواندم بی ارتباط با این مهم نیست. شاید سن و سال برخی از دوستان حاضر اقتضای درک آن دوران را نداشته باشد. انقلاب اسلامی فرصتی استثنایی و لایتنایی را برای آنان که درد دین دارند و می‌خواهند دین خداوند در زمین محقق شود، ایجاد کرده است. در این میان پرسش مهم این است که آیا ما و مسئولان از این ظرفیت استثنایی توانسته ایم استفاده کنیم یا نه؟ پاسخ به این پرسش مباحث مفصلی را می‌طلبد و نزدیک به چهل سال، برای ارزیابی و نمرده دادن فرصت کافی است. ما به عنوان روحانی از بعد شخصیتی در این میان رسالتی داریم. فرض بفرمایید انقلاب اسلامی را به همه دنیا صادر کردیم و همه دنیا شدند کارگزار حکومت اسلامی و تمام ذرات خانه‌ها و اسلحه‌خانه‌ها در اختیار حکومت قرار گرفت ولی اخلاق محقق نشد و مکارم اخلاقی ارتقا پیدا نکرد، آن را مطلوب نباید دانست و بدان نمره داد.

یکی از بهترین هنجارها، حسن خلق است. تذکر نیاز همگانی است حتی پیامبران هم از این نیاز استثنا نبوده‌اند. مرحوم ورام در کتاب گرانسنگ تنبیه الخواطر این روایت را نقل می‌کند:

در این مراد از حسن خلق در این روایت اخلاق نیکو با مردم و یا اخلاق نیکو با خداوند و مردم است. قدر متیقن آن اخلاق نیکو با مردم است و اینکه در آخر روایت دارد «وهو أن لا تغضب» قرینه بر آن است که مراد از حسن خلق اخلاق نیکو با مردم است. هر چند اخلاق نیکو با خداوند نیز ضروری است. این که آن فرد از چند سو می‌آید و یک پاسخ را دریافت می‌کند از هدایت الهی است تا این سند برای من و شما به یادگار بماند و از آن استفاده کنیم.

سیره عالمان دین در مسأله حسن خلق عجیب است و در قیامت حجتی است که خداوند بدان احتجاج می‌کند، پادشاهان اگر سلطنت را بهانه کنند، حضرت سلیمان ع را شاهد می‌آورند که ملکش لا ینبغی لأحد من بعده بود و جوانان اگر جوانی را بهانه کنند حضرت یوسف ع را شاهد می‌آورند.

حضرت آیت الله سید عبدالهادی شیرازی در مقطعی مرجعیت عام داشته است، وی در اواخر عمر نابینا شده بود و اطرافیان در

بیت را مأمور کرده بود که هر نامه ای که می آید بدون استثناء باید برای من خواند شود چه مدح من بود و چه ذم. وی مشروعیت ماندن در بیت را منوط به این مهم کرده بود.

روزی فردی به ظاهر در کسوت روحانیت و باسواد از تهران، نامه ای به ایشان می نویسد، و در آن نامه خیلی بد و بیراه می گوید و خود را برتر از آسید عبدالهادی یا در حد ایشان می داند فقط آنکه دنیا بدو پشت کرده و از این قبیل سخنان می نویسد و در آخر نامه تقاضایی اینچنین مطرح می کند که من منزلی ندارم یکی از مقلدان شما به شرط اجازه شما حاضر است که نصف مبلغ خانه را بگیرد و برای نصف دیگر هر چند به زحمت می افتم اما با سختی فراهم می کنم.

اطرافیان می بینند که نامه خیلی تند است چه کنند بخوانند آقا ناراحت می شود و اگر نخوانند از شرط شرعی آقا تخلف کرده اند، ناگزیر نامه را برای آقا می خوانند و آقا سریعاً اجازه را به مقلدشان صادر می کنند و بعد به فکر نصف دیگر هم می افتند که آن هم ندارد و با حرج می خواهد جور کند، لذا به وکلای خود در تهران دستور می دهد که هزینه های نصف دیگر را هم پرداخت کنند.

همزمان با آسید عبدالهادی، مرحوم آسید محمود شاهرودی بزرگ نیز به طلاب شهریه می داد، روزی یکی از اطرافیان برای آسید عبدالهادی با شادی نقل می کند که خبر دارید چه شده است؟ آقای شاهرودی این ماه نتوانسته به طلاب شهریه بدهد!! آسید عبدالهادی به گریه می افتد و از خداوند می خواهد آبروی سید را حفظ کند و دستور می دهد که از وجوهاتی که در اختیار دارد به آسید محمود شاهرودی بدهند تا شهریه او قطع نشود.

شما عزیزان در اوج نشاط جوانی هستید و روز به روز کارهای شما توسعه پیدا می کند، باید رفتار صحیح و حسن خلق به صورت ملکه جان در آورید تا ارزش ها حاکمیت پیدا کند إنشاء الله تعالی و وفقنا الله تبارک و تعالی لذلك.